

خبر



روزهای دشوار سیستم‌های بازنشستگی

بر اساس یادداشت فنی منتشر شده توسط دفتر منطقه‌ای سازمان بین‌المللی کار (ILO) برای آمریکای لاتین و حوزه کاراییب، نسبت افراد مسن بدون درآمد یا مستمری از ۳۱.۹ درصد در سال ۲۰۱۹ به ۳۴.۶ درصد در سال ۲۰۲۰ و ۳۴.۵ درصد در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است.

در سطح منطقه‌ای نیز در مجموع، تنها ۵۱.۹ درصد افراد بالای ۶۵ سال مستمری دریافت می‌کنند. ۴۶.۸ درصد از این افسراد تنها با مستمری روزگار می‌گذرانند و فقط ۵.۱ درصد از آنها در کنار دریافت مستمری، درآمد کاری نیز دارند. این در حالی است که ۱۳.۶ درصد از افراد بالای ۶۵ سال فقط درآمد کار را گزارش می‌دهند و فاقد درآمد مستمری هستند. در بخش دیگری از این گزارش تأکید شده «کمبود منابع، همچون پس‌انداز با سایر منابع خصوصی در کنار کاهش توانایی کسب درآمد نیروی کار در سنین بالا می‌تواند منجر به فقر در سنین بالا شود.» این مطالعه خاطر نشان می‌کند که عملکرد و چالش‌های سیستم‌های تأمین اجتماعی با «اهداف سه‌گانه در پوشش، کیفیت و پایداری مرتبط است.»

«پوشش» به‌نسبت جمعیتی اشاره دارد که به مزایای سیستم تأمین اجتماعی دسترسی مؤثر دارند. «کیفیت» به میزان مزایای پولی یا غیر نقدی اشاره می‌کند و «پایداری» به ظرفیت نسبی یک اقتصاد برای پاسخگویی به هزینه‌های فعلی و آتی سیستم تأمین اجتماعی مربوط است.

اختلالات شنوایی گسترده در جهان

طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی، نزدیک به ۸۰ درصد از افراد مبتلا به کم‌شنوایی در کشورهای با درآمد کم و متوسط زندگی می‌کنند. در این میان دسترسی به مراقبت نقش مهمی در افزایش شمار ناشنویان و کم‌شنوایان دارد. ۷۸ درصد کشورهای کم درآمد، کمتر از یک متخصص گوش، حلق و بینی به‌ازای هر یک میلیون نفر دارند. در ۹۳ درصد از این کشورها، به ازای هر یک میلیون نفر، کمتر از یک شنوایی‌شناس وجود دارد و بیش از ۵۰ درصد آنها به‌ازای هر یک میلیون نفر یک معلم برای کودکان ناشنوا دارند. به‌منظور ارائه راهنمایی به کشورها برای گنجاندن مراقبت‌های گوش و شنوایی در برنامه‌های سلامت ملی خود، سازمان بهداشت جهانی گزارش جهانی شنوایی را در سال ۲۰۲۱ تهیه کرد. طبق این گزارش در سال ۲۰۲۱، ۱.۵ میلیارد نفر در سراسر جهان با درجات مختلفی از کم‌شنوایی زندگی می‌کردند و ۴۳۰ میلیون نفر به خدمات توانبخشی نیاز داشتند. حتی در موردی اضطراری‌تر، WHO پیش‌بینی می‌کند که تا سال ۲۰۵۰، از هر چهار نفر یک نفر با درجاتی از کم‌شنوایی زندگی می‌کند و ۷۰۰ میلیون نفر به خدمات مراقبتی و توانبخشی نیاز خواهند داشت. سر خجه، مننژیت، سرخک و اوریون می‌توانند باعث کاهش شنوایی شوند و به گفته سازمان جهانی بهداشت، بیشتر این بیماری‌ها با واکسیناسیون قابل پیشگیری هستند.



حمید رضاعلی‌نیا

روزنامه‌نگار

● در یک

مطالعه‌بین

کشوری

مشخص شد

رابطه‌ای منفی

میان جمعیت

سالخورده و

سرانه تولید

ناخالص داخلی

وجود دارد و

بر اساس آن،

هر چه تعداد

سالخوردگان

بالا تر باشد

میزان تولید

ناخالص داخلی

نیز کمتر است

تأثیر سالمندی جمعیت بر اقتصاد و جامعه

جمعیت جهان در حال پیر شدن است؛ پدیده‌ای که پیامدهای مهمی برای آینده شغلی و اشکال زندگی بشر خواهد داشت. انتظار می‌رود تا سال ۲۰۳۵ تعداد افراد ۵۵ سال و بالاتر از همه کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله و تا سال ۲۰۸۰ از کل جمعیت کودکان تا جوانان ۲۴ ساله بیشتر شود. به عنوان پیامد مستقیم پیری جمعیت، اکنون تعداد کارگران مسن ۵۵ تا ۶۴ ساله

گزارش

مستمری دریافت می‌کنند. در غیاب اهرم‌های سیاستی که این تغییرات جمعیتی را پیش‌بینی کند، پیری جمعیت می‌تواند شوک‌های منفی زیادی هم به اقتصاد و هم به شرایط اجتماعی وارد سازد. مطابق پیش‌بینی‌های تغییرات جمعیتی، سالخوردگی از سه راه اصلی می‌تواند بر اقتصاد تأثیر بگذارد: (۱) کاهش سرعت رشد نیروی کار، (۲) تغییر الگوهای پس‌انداز و مصرف و (۳) فشار بر مخارج اجتماعی عمومی.

کاهش سرعت رشد نیروی کار

کاهش رشد جمعیت در سن کار می‌تواند باعث کاهش رشد درآمد سرانه در یک کشور شود. در یک مطالعه بین کشوری، مشخص شد رابطه‌ای منفی میان جمعیت سالخورده و سرانه تولید ناخالص داخلی وجود دارد و بر اساس آن، هر چه تعداد سالخوردگان بالاتر باشد، میزان تولید ناخالص داخلی نیز کمتر است. کاهش سرعت رشد نیروی کار، افزایش لازم در موجودی سرمایه و در نتیجه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد که برای تثبیت نسبت سرمایه به نیروی کار لازم و ضروری است. این مسأله می‌تواند رشد بهره‌وری نیروی کار و اساساً بهره‌وری کل را کم کند و در نتیجه درآمد سرانه کشور را کاهش دهد.

با این حال، تحولات اخیر در خودکارسازی فرایندهای شغلی، چالشی قوی برای فرض نسبت سرمایه به کار ثابت در اقتصاد است. هم فناوری‌های جایگزین نیروی کار و هم فناوری‌های افزایش‌دهنده نیروی کار در خط مقدم چالش‌های کمبود نیروی کار و راه‌حل‌های بهره‌وری قرار دارند. این امر نشان‌دهنده نقش تغییرات



مطابق پیش‌بینی‌های تغییرات جمعیتی، سالخوردگی از سه راه اصلی می‌تواند بر اقتصاد تأثیر بگذارد: (۱) کاهش سرعت رشد نیروی کار، (۲) تغییر الگوهای پس‌انداز و مصرف و (۳) فشار بر مخارج اجتماعی عمومی

فنی در پاسخ به تغییرات جمعیتی است. به عنوان مثال، کشورها در مواجهه با پیری سریع جمعیت، اخیراً دست به پذیرش فناوری اتوماسیون (به‌ویژه ربات‌های صنعتی) زده‌اند. با وجود این، به‌ویژه با توجه به رشد پایین فعلی جمعیت در سن کار در سطح جهانی، کاهش میزان جمعیت در سن کار نیازمند افزایش بهره‌وری نیروی کار به منظور تثبیت رشد سرانه از طریق فناوری‌های جدید است.

تغییر الگوی پس‌انداز و مصرف

پس‌انداز بازنشستگی تأثیر عمده‌ای بر بازارهای مالی دارد. افزایش امید به زندگی مستلزم داشتن دارایی‌های انباشته بازنشستگی به ازای هر فرد نسبت به نسل‌های شاغل قبلی است. به عبارت دیگر؛ این پس‌اندازها کیفیت زندگی در پیری را افزایش می‌دهند. این عامل در وضعیت انتقال جمعیتی، همراه با عدم تعادل نسبی بین بازنشستگان فعلی و آینده، موجب می‌شود تا جریان‌های پس‌انداز سرمایه‌گذاری شده در بازارهای مالی - که توسط نسل کار فعلی انجام می‌شود- بیش از پس‌انداز مستمری بازنشستگان شود. به عبارت ساده؛ دخل و خرج سیستم بازنشستگی با چرخه فعلی دیگر به هم نخواهد رسید. اگر این پس‌اندازها با سرمایه‌گذاری ثابت مطابقت نداشته باشند (که شکل فعلی و غالب چرخه نظام‌های



تأمین اجتماعی کنونی است)، تعادل بازار مالی و همچنین منبع تأمین مستمری آینده می‌تواند تضمین شود، اما انتظار این است با کاهش پس‌اندازهای بازنشستگی در زمان انتقال جمعیت به سمت سالخوردگی، کاهش سرمایه‌گذاری بر نرخ‌های بهره واقعی فشار نزولی وارد کند. از طرفی، این به معنای افزایش نرخ مشارکت در سیستم‌های تأمین اجتماعی است. نتیجه اینکه بخش بزرگتری از درآمد صرف سرمایه‌گذاری در سیستم‌های مالی خواهد شد که قرار است مستمری بازنشستگان فرضی را در یک جمعیت سالخورده پرداخت کند؛ بنابراین الگوی مصرف فعلی جامعه متأثر از درآمد پایین‌تر مصرفی متفاوت خواهد شد. مثلاً افراد مجبور

مشکلات و مسائل دیگر

وضعیت نگران‌کننده فعلی تنها به این موارد ذکر شده محدود نمی‌شود. در بسیاری از مواقع، تحلیل‌های تخصصی از بازار کار، خبر از تمایل کمتر جمعیت سالخورده برای آموزش هم از طرف خود آنها و هم از طرف شرکت‌های مختلف را نشان می‌دهد. به‌طور کلی اگر سن افراد بالاتر باشد، احتمال کمتری وجود دارد که پس از دست دادن یک شغل بتواند شغل دیگری را کسب کند، در حالی که یک شخص جوان به راحتی امکان انطباق با یک شغل جدید را خواهد داشت. سرعت تغییرات در بازارهای مختلف و صنعت، نشان از احتمال بالای عدم ثبات شغلی برای سال‌های آتی دارد. همچنین با افزایش سن جمعیت به سمت بازنشستگی، امرار معاش عمدتاً از طریق درآمد بازنشستگی، حمایت خانواده، نقل و انتقالات دولتی و دارایی‌های مالی و واقعی تأمین می‌شود. این جریان‌های اصلی درآمد، به‌ویژه درآمد بازنشستگی و نقل و انتقالات عمومی، به‌طور فزاینده‌ای به شرایط کلان اقتصادی و نوسانات بازارهای مالی گره خورده که منجر به افزایش تهدید نابرابری و فقر سالمندان می‌شود. برای مثال، کاهش درآمد واقعی نیروی کار، همراه با تضعیف شبکه‌های ایمنی اجتماعی به شکندگی درآمد در دوران سالمندی، کاهش توانایی افراد برای پس‌انداز در بازنشستگی و کاهش ارائه مزایا توسط سیستم‌های بازنشستگی می‌انجامد. امروزه بسیاری از سیستم‌های بازنشستگی با چالش اصلاح و حفظ سیستمی مواجه هستند تا برای پوشش بازنشستگان فعلی و آینده مناسب و پایدار باشد.

از مسائل مهم دیگری که می‌توان با انتقال جمعیت به سالخوردگی انتظار داشت، تغییر در الگوی نگهداری از سالمندان است. در بسیاری از مواقع این زنان هستند که از سالخوردگان خانواده نگهداری می‌کنند. به این ترتیب بخش بزرگی از جمعیت در سنین کار بدون هیچ پرداخت حقوقی مشغول نگهداری از سالمندان خواهند شد.

این کارگران خانوادگی، معمولاً فاقد حمایت‌های اولیه مانند مرخصی استعلاجی هستند که به انواع دیگر کارگران داده می‌شود. همچنین زنان، اغلب بار سنگین کار مراقبتی بدون مزد را متحمل می‌شوند. این زنان از بسیاری جهات به‌بای اشتغال، زمان و رفاه خود به مراقبت‌های عمومی سالمندان یارانه می‌دهند. در حال حاضر، در سراسر جهان، کسری مراقبت توسط کارکنان «داوطلب» بدون دستمزد که حدود ۵۷ میلیون نفر تخمین زده می‌شود، پر شده که بسیاری از آنها زنانه هستند که از فرصت‌های شغلی رسمی خود برای نگهداری از سالمندان خانواده چشم‌پوشی کرده‌اند.

